

# پرونده فک در معرین افکار عمومی

قطعی دانسته، ونمی خواستند گامی از آن فراتر نهند اینک مادرین مقاله و مقاله بعد بادر نظر گرفتن آیات قرآن و احادیث اسلامی و اعترافات و احتجاجات طرفین، پرونده ای از نو تنظیم نموده، ورأی نهائی را ارائه می دهیم.

## ۱- اموال خالصه

از اصول مسلم اسلام این است که هر سرزمینی که بدون جنگ و غلبه، گشوده گردد، و در اختیار حکومت اسلامی قرار گیرد، از اموال عمومی خالصه شمرده شده، و مربوط به رسول خدا خواهد بود. این نوع اراضی، ملك شخصی پیامبر نیست بلکه مربوط بدولت اسلامی، می باشد که پیامبر گرامی در رأس آن قرارداد داد، و پس از پیامبر اکرم تکلیف این نوع اموال، با کسی خواهد بود که برجای پیامبر نشسته و زمام امور مسلمانان را بدست میگیرد. قرآن مجید این اصل اسلامی را در سوره حشر، طی آیه ای

چهارده قرن از جریان فک، و اعتراض دخت پیامبر گرامی (ص) و تصرف آن، می گذرد، شاید گروهی تصور کنند که داوری صحیح در چنین حادثه ای مشکل و پیچیده است، زیرا گذشت زمان، مانع از آن است که قاضی محکمه، بتواند بر محتویات پرونده، دست یابد، و اوراق آن را بدقت بخواند، ورأی عادلانه ای صادر کند، چه بسا دست تحریف در آن راه یافته، و محتویات آنرا بهم زده است.

ولی آنچه می تواند در این قسمت کار دادوسی را آسان سازد، این است که می توان با مراجعه به کتاب آسمانی و احادیث پیامبر گرامی، و اعترافات و سخنان طرفین، پرونده جدیدی تنظیم نمود، و بر اساس آن، با ملاحظه يك رشته اصول قطعی و تغییر ناپذیر اسلام، داوری کرد.

شکی نیست که طرفین نزاع در ظاهر، کتاب آسمانی و سخنان مقام رسالت، و عمل و روش او را حجت

بیان می کند و می فرماید:

هر آنچه را که خداوند آنرا به پیامبر باز گردانیده است شما برای تصرف آن (رنج و مشقتی را متحمل نگردیده) اسب و شتری برای دست یابی بر آن، نرانده اید. خداوند پیامبران خود را بر هر کس بخواهد مسلط می سازد، خداوند بر همه چیز توانا است (۱)

اموالی که در اختیار پیامبر گرامی بود، دوزخ بود.

۱- **اموال خصوصی**: اموالی که پیامبر شخصاً مالک آنها بود، و در کتاب های تاریخ و سیره صورت اموال خصوصی پیامبر اکرم به تفصیل منعکس است، و شما می توانید، با مراجعه به کتاب «کشف الغمّة» از صورت آنها آگاه گردید (۲) تکلیف این نوع اموال در زمان حیات پیامبر با خود او است، و پس از درگذشت وی مطابق قانون ارث اسلام، به وارث آن حضرت منتقل می گردد، مگر اینکه ثابت گردد که وارث پیامبر از ترکه و اموال شخصی او محروم بوده، و حتی اموال شخصی او باید بعنوان صدقه، میان مستحقان و یا مصالح اسلامی مصرف گردد و مادر آینده پیرامون خصوص این موضوع بحث گسترده ای انجام داده و ثابت خواهیم نمود که در قانون ارث میان وارث پیامبر، و وارث دیگران تفاوتی نیست، و روایاتی که خلیفه روی آن، وارث پیامبر اسلام را محروم ساخت، بر فرض صحت معنی

دیگری دارد که دستگاه خلافت از آن غفلت ورزیده است.

۲- **اموال خالصه**: املاکی که متعلق به حکومت اسلامی بوده و پیامبر اسلام به عنوان رئیس مسلمین در آنها تصرف می نمود و مصالح اسلام و مسلمانان هر نوع ایجاب می کرد آنها را به مصرف می رسانید در فقه اسلامی بایی است بنام «فبیء» که در کتاب جهاد و احیانا در باب «صدقات» از آن گفتگو میکنند «فبیء» در لغت هرب بمعنی بازگشت است، و مقصود از آن، سرزمین هائی است که بدون جنگ و خونریزی به حکومت اسلامی بازگردد، و ساکنان آنجا آنها را به حکومت اسلام واگذار کنند، و تحت شرایطی تابع حکومت اسلامی گردند. این نوع اراضی که بدون مشقت و هجوم ارتش اسلام در اختیار پیامبر اسلامی قرار می گرفت، مربوط به حکومت اسلامی بوده و سربازان اسلام در آن حقی نداشتند، و پیامبر گرامی نیز آنها را در مصالح اسلامی بمصرف می رسانید، و گاهی آنها را در میان افراد مستحق، تقسیم میکرد تا از طریق کار و کوشش، هزینه زندگی خویش را تأمین کنند، و غالباً بخشش های پیامبر، از چنین اراضی بوده و احیاناً از خمس غنائم.

بد نیست در این جا نمونه ای از روش پیامبر را در خصوص این نوع اراضی، منعکس نمائیم «بنی النضیر» یکی از سه طایفه یهودی بودند که نزدیکی مدینه خانه و باغ و زمین های مزرعی داشتند، هنگامی که پیامبر گرامی به مدینه مهاجرت کرد قبایل

۱- و ما افاء الله علی رسوله منهنم فما اوجفتم علیه من خیل و لارکاب و لکن الله یسلطرسله هلی من یشاء و الله هلی کل شیء عقدیر. سوره حشر آیه ۶

۲- کشف الغمّة ج ۲ ص ۱۲۲

### ۳- سرزمین فدک خالصه بود

محدثان و سیره نویسان اتفاق نظر دارند که سرزمین فدک از اموال خالصه بود، زیرا فدک سرزمینی بود که هرگز به جنگ و غلبه فتح نگردید بلکه هنگامی که خبر شکست خیبریان، به دهکده فدک رسید، همگی حاضر شدند که با پیامبر گرامی از در صلح وارد شوند و نیمی از اراضی فدک را در اختیار پیامبر بگذارند، و نیمی دیگر را بخود اختصاص دهند و در برابر آن در انجام مراسم مذهبی کاملاً آزاد باشند، و حکومت اسلامی، امنیت منطقه آنان را تأمین کند (۳) و هیچ کس از علماء اسلام در این مسأله اختلاف نظر ندارد و از مذاکرات دخت پیامبر با ابوبکر پیرامون فدک، کاملاً استفاده می شود که طرفین خالصه بودن فدک را پذیرفته بودند و اختلاف آنان در جای دیگر بود که بعداً تشریح می شود.

### ۴- فدک را پیامبر با فاطمه بخشیده بود

دانشمندان شیعه، و گروهی از محدثان اهل تسنن اتفاق نظر دارند که وقتی آیه (وآت ذا القربی حقه والمسکین وابن السبیل) نازل گردید، پیامبر گرامی فدک را بدختر خود فاطمه (ع) بخشید. و سند حدیث به صحابی بزرگ «ابو سعید خدری» و ابن عباس منتهی می گردد و از میان محدثان اهل تسنن شخصیت هائی این حدیث را نقل کرده اند:

۱- جلال الدین سیوطی متوفای سال ۹۰۹ در

«اوس» و «خزرج» به وی ایمان آوردند، ولی این سه گروه بر دین خود باقی ماندند، پیامبر گرامی با پیمان خاصی در اتفاق و اتحاد ساکنان مدینه و حومه آن سخت کوشید، و سرانجام هر سه گروه با پیامبر پیمان بستند که از هر نوع نقشه و توطئه برضد مسلمانان برکنار باشند، و گامی برخلاف مصالح آنان برندارند. ولی هر سه طائفه به نوبت، در آشکار و پنهانی، پیمان شکنی کردند و از هر نوع خیانت و توطئه برای سقوط دولت اسلامی و نقشه قتل پیامبر خودداری نمودند.

هنگامی که پیامبر برای انجام کاری بکوی «بنی النضیر» رفته بود، آنان نقشه قتل پیامبر را ریخته و می خواستند که او را ترور کنند از اینجهت پیامبر، همه آنان را مجبور ساخت که سرزمین مدینه را ترک نمایند، سپس خانه او و مزارع آنها را در میان مهاجران و برخی از مستمندان انصار تقسیم کرد (۱)

در تاریخ اسلام نام برخی از کسانی که از این نوع اراضی استفاده کرده و صاحب خانه شده اند، برده شده است، «علی (ع) و ابوبکر و عبدالرحمان- بن عرف، و بلال از مهاجران، و ابودجانه و سهل- بن حنیف و حارث بن صمه از انصار، از گروهی بودند که از اموال خالصه دولتی استفاده نمودند و صاحب خانه شدند (۲)

\* \* \*

۱- مجمع البیان ج ۵ ص ۲۶۰ چاپ صیدا و کتابهای سیره و تاریخ

۲- فتوح البلدان بلاذری ص ۳۱، ۳۲، ۳۳ و مجمع البیان ج ۵ ص ۲۶۰، سیره ابن هشام ج ۳ ص ۱۹۳-۱۹۴

۳- مغازی و اقلدی ج ۲ ص ۷۰۶ سیره ابن هشام ج ۳ ص ۴۰۸، فتوح البلدان ص ۴۱-۴۶، احکام القرآن

جصاص ج ۳ ص ۵۲۸ تاریخ طبری ج ۳ ص ۹۷ و ۹۵

خدا سرزمین فدک را بفاطمه بخشید و این مطلب آن چنان مسلم است که دودمان پیامبر در آن هرگز اختلاف نداشتند و او تا پایان عمر، مدهی مالکیت فدک بود. (۳)

۵- احمد بن عبدالعزیز جوهری مؤلف کتاب المقیفه می نویسد: هنگامی که عمر بن عبدالعزیز زمام امور را به دست گرفت نخستین مظلمه ای را که به صاحبانش پس داد، این بود که فدک را به حسن بن حسن بن علی بازگردانید (۴) از این جمله استفاده می شود که فدک ملك طلق دخت پیامبر بود.

۶- ابن ابی الحدید. گذشته بر این، شأن نزول آیه را درباره فدک از ابی سعید خدری نقل کرده است هر چند در این نقل بنقل سید مرتضی در کتاب شافی استناد جسته است ولی اگر گفتار سید مرتضی مورد اعتماد او نبود حتماً از آن انتقاد میکرد

گذشته بر این در فصلی که برای تحقیق این موضوع در شرح خود بر نهج البلاغه اختصاص داده است از مذاکره ای که با استاد مدرسه غربی بغداد داشته صریحاً استفاده می شود که وی معتقد است که پیامبر خدا فدک را بدخت گرامی خود بخشیده است (۵)  
۷- حلبی در سیره خود سرگذشت طرح ادعاه دخت پیامبر و نامهای شهود او را آورده و می گوید:

تفسیر معروف خود می نویسد: وقتی آیه یاد شده نازل گردید، پیامبر فاطمه را خواست و فدک را به او داد. و می گوید: این حدیث را محدثانی مانند «بزاز» و «ابویطی» و «ابن ابی حاتم» و «ابن مردویه» از صحابی معروف ابی سعید خدری نقل کرده اند.

و نیز می گوید «ابن مردویه» از ابن عباس نقل کرده است وقتی آیه یاد شده نازل گردید، پیامبر فدک را بفاطمه تمليك کرد (۱)

۲- علاءالدین علی بن حسام معروف به متقی هندی ساکن مکه و متوفای سال ۹۷۶ نیز حدیث یاد شده را نقل کرده است (۲)

و می گوید محدثانی مانند ابن النجار و «حاکم» در تاریخ خود این حدیث را از ابوسعید نقل کرده اند  
۳- ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم نیشابوری

معروف به ثعلبی متوفای سال ۴۲۷ یا ۴۳۷ در تفسیر خود بنام «الکشف والیان» جریان را نقل می کند.

۴- مورخ شهیر، بلاذری متوفای سال ۲۷۹ متن نامه مامون را که به والی مدینه نوشته نقل کرده است و در آن نامه چنین وارد شده است: «و قد کان رسول الله (ص) اعطی فاطمه فدک و تصدق بها علیها و کان ذلك امرا معروفا لا اختلاف فيه بین آل رسول الله (ص) و لم تنزل تدعی منه»: پیامبر

۱- الدر المنثور ج ۴ ص ۱۷۷ متن حدیث چنین است لما نزلت هذه الایه (وآت ذا القربی حقه) دعا رسول الله (ص) فاطمه فاعطاها فدک

۲- کنز العمال باب صله رحم ج ۲ ص ۱۵۷

۳- فتوح البلدان ص ۴۶ معجم البلدان ج ۴ ص ۲۴۰

۴- شرح حدیدی ج ۱۶ ص ۲۱۶

۵- شرح حدیدی ج ۱۶ ص ۲۶۸ و ۲۸۴ متن مذاکره را در بحث آینده خواهید خواند

«بنی اسرائیل» این آیه را خوانده اید: «وآت ذالقربی  
حقه؟» آن مردشامی بعنوان تصدیق گفت: بخاطر  
خویشاوندی بود که خدا به پیامبر خود دستور داد که  
حق آنان را بپردازد

از میان دانشمندان شیعه، شخصیت‌های بزرگی  
مانند کلینی و عیاشی و صدوق، نزول آیه را درباره  
خویشاوندان پیامبر نقل کرده و افزوده‌اند که پس از  
نزول این آیه پیامبر (ص) فدک را به دختر خود فاطمه  
(ع) بخشید.

در این مورد متبع عالی‌قدر شیعه مرحوم سیدهاشم  
بحرینی یازده حدیث با اسناد قابل ملاحظه‌ای از  
پیشوایانی مانند: امیر مؤمنان و حضرت سجاد و حضرت  
صادق و امام کاظم و امام رضا (ع) در این مطلب نقل  
کرده است

خلاصه در اینکه این آیه در حق خاندان رسالت  
نازل شده است، تقریباً اتفاق نظر وجود دارد، و اما  
اینکه پس از نزول آیه، پیامبر فدک را به دختر خود  
زهره بخشید، این قسمت را محدثان شیعه و گروهی  
از بزرگان اهل تسنن نقل کرده‌اند

خلیفه وقت قباله فدک را بنام زهره صادر نمود ولی  
عمر آن را گرفت و پاره کرد (۱)

۸- مسعودی در کتاب «مروج الذهب» می‌گوید:  
دخت پیامبر با ابی بکر پیرامون فدک مذاکره نمود،  
از او خواست که فدک را برای او بازگرداند و علی و  
حسین و ام ایمن را بعنوان شاهد آورد (۲)

۹- یاقوت می‌نویسد: فاطمه پیش ابی بکر رفت  
و گفت: پیامبر فدک را بمن بخشیده است خلیفه شاهد  
خواست و... (سرانجام می‌نویسد) در دوران خلافت  
عمر، فدک بدو دمان پیامبر بازگردانیده شد زیرا اوضاع  
در آمد مسلمانان بسیار رضایت بخش بود (۳)

سمهودی در کتاب وفاء الوفاء مذاکره فاطمه  
را با ابوبکر نقل می‌کند سپس می‌گوید: علی و ام  
ایمن به نفع فاطمه گواهی دادند و هر دو گفتند پیامبر  
فدک را در زمان حیات خود بقاطمه بخشیده است  
و نیز می‌گوید فدک در دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز  
به خاندان زهره بازگردانیده شده (۴)

مردشامی با علی بن الحسین (ع) ملاقات کرد  
و گفت خود را معرفی بنما، امام فرمود: آیدرسوره



۱- سیره حلبی ج ۱۳ ص ۳۹۹-۴۰۰

۲- مروج الذهب ج ۲ ص ۲۰۰

۳- معجم البلدان ج ۳ ص ۲۳۷۸ ماده فدک

۴- وفاء الوفاء ج ۲ ص ۱۶۰